

منبع:

[Greek Mythology Creature](http://edweb.sdsu.edu/people/bdodge/scaffold/GG/creature.html)
<http://edweb.sdsu.edu/people/bdodge/scaffold/GG/creature.html>

قسمت اول:
خدایان و اساطیر یونان باستان



هرا، خدای مادر

در زمانهای بسیار دور، انسان ناشناخته‌ها و وقایع طبیعی مانند باران، صاعقه، گرما و سرما، شب و روز، تغییر فصل، مرگ و زندگی و مانند اینها را زائیده قدرت خدایانی میدانست که بر زمین و موجودات آن حکومت میکردند. از نظر آنها این خدایان نه تنها به خودی خود در انجام بعضی امور و وقایع دست داشتند بلکه مناسبات و روابط بین آنها هم در سرنوشت انسانها تأثیر مستقیم داشت. خدایان باستان در تمام جوامع بشری وجود داشته‌اند و هیاتی انسانی با نیروی مافوق بشری داشته‌اند، آنها جاودان بودند و میتوانستند با انسانهای عادی وصلت کرده و بچه‌دار شوند، فرزندان این خدایان "نیمه خدا" بودند و با وجود داشتن قدرت مافوق بشری، میرا بودند.

خدایان و داستانهای اساطیری در ابتدا به منظور توضیح اسرار زندگی به کار میرفتند اما به تدریج نبرد موجودات افسانه‌ای و ماجراهای پر آب و تاب قهرمانان چنان شیرین و جذاب شد که با وجود پیشرفت علم و حضور پیامبران موحد، اساطیر باقی ماندند و در تمام هنرها حضور بارزی یافتند.

در این میان اساطیر یونان به دلیل تکیه فراوان ادبیات باستان یونان و بعد ادبیات مدرن جهان بر آنها و همچنین ساده‌تر بودن نامهای خدایان به گوش آشنا تر است. از طرفی نباید از تأثیر فراوان فیلمهایی که با تکیه بر اسطوره‌های یونان تهیه شده غافل شویم. به همین دلیل معرفی خدایان اساطیری را با معرفی مختصر خدایان المپ (The Olympians) آغاز میکنیم.

خدایان المپ یا المپ نشینان

این خدایان 12 تن بودند که پس از سرنگونی تایتانه‌ها (Titans) خدایان اولیه به حکومت پرداختند. کوه المپ محل نبرد تایتانه‌ها با خدایان دوازده گانه بود و بعدها هم به عنوان محل زندگی خدایان از آن نام برده شد. تمام المپ نشینان به نوعی با یکدیگر نسبت داشتند و بنا به شرایط زمانه هر از گاهی یک یا چند تن از آنها بیشتر مورد توجه قرار میگرفت. برای مثال اگر در زندگی واقعی، همسر حاکم یا شخص قدرتمند منطقه از شخصیت قوی یا خانواده مهمتری بود، خدایان زن و به خصوص هرا (Hera) که خدای مادر بود مورد توجه میگرفت. اگر جنگی در میان بود، معبد خدای جنگ بیشتر مورد توجه قرار میگرفت.



سنگ برجسته زئوس به همراه همسرش هرا

زئوس (Zeus)

زئوس فرزند کرونوس (Cronus)، تایتان بزرگ، بود. او پدرش را سرنگون کرد و بر سر حکومت با برادرانش پوزئیدون (Poseidon) و هادس (Hades) قرعه کشی کردند، زئوس در نتیجه این قرعه کشی به نام بزرگ خدایان شناخته شد، او فرمانروای آسمان و باران و اسلحه اش آذرخش است که آنرا به سمت کسی که او را ناخشنود کرده، پرتاب میکرده است. یکی از مواردی که او را بسیار خشمگین میکرد دروغگویی و پیمان شکنی بوده است. زئوس هرا (Hera) را به همسری گرفت اما به خاطر داشتن ماجراهای عشقی فراوان شهرت داشته است.



پوزئیدون خدای دریا

پوزئیدون Poseidon

پوزئیدون برادر زئوس است و در قرعه کشی که پس از سرنگونی پدرشان انجام شد، دریا را به دست آورد و به نام خدای دریا شناخته میشود. دریانوردان و ماهیگیران از پرستندگان او به شمار می روند. پوزئیدون با امفی تربیت Amphitrite که نوه اوسیانوس Oceanus تایتان آبهای به هم پیوسته جهان، ازدواج کرد. اسلحه او یک نیزه سه شاخه است، که میتواند جهان را بلرزاند و هر چیزی را درهم بشکند. او پس از زئوس قدرتمندترین خدا است و طبیعتی ستیزه جو و حریص دارد، به همین برای به دست آوردن شهرهای خدایان دیگر، با آنها درگیر میشده است.



هادس خدار مردگان

هادس Hades

هادس، در قرعه کشی با برادرانش، بدترین سهم را برنده شد و آن جهان زیر زمین یا دنیای مردگان است. از آنجایی که رعایای هادس را مردگان تشکیل میدادند، او به کسانی که موجب افزایش جمعیت سرزمینش میشدند بسیار علاقه داشت. مانند ارینی ها Erinnyes یا خشم و ناامیدی، که کارشان تعقیب گناهکاران و سوق دادن

آنها به سمت خودکشی بود. هادس به دلیل حکومت بر زیرزمین، صاحب معادن زیرزمینی هم بود و خدای پروت هم به شمار می رفت. همسر او پرسفونه بود که توسط هادس ربوده شده بود. هادس خدای جهان مردگان بود اما خدای مرگ نبود، تاناتوس Thanatos خدای مرگ بود.



Hestia الهه زندگی خانوادگی

هستیا (Hestia)

هستیا بزرگترین خواهر زئوس و الهه حاکم بر زندگی خانوادگی و به عبارتی اجاق خانه بود. او برای فرار از تقاضای عاشقانه برادرانش پوزیدون و آپولو، قسم خورد که همواره دوشیزه باقی بماند. هستیا الهه ایست که تخت سلطنتی ندارد، اما نگهداری از آتش مقدس المپ بر عهده او است و به همین دلیل تمام آتشکده ها و اجاقهای منازل از آن او است. هستیا ملایم ترین و مهربان ترین الهه المپ است و سمبل اتحاد بین شهر مادر Metropolis و مردم شهرکها و دهکده هایی است که برای بردن آتش به معبد می آمدند و در واقع اجاق خانه همه مردم از یک آتش گرم میشد.

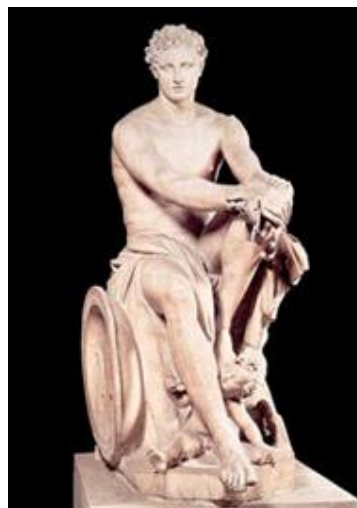


Hera نگهبان زندگی

هرا (Hera)

هرا همسر و خواهر زئوس بود. او نگهبان ازدواج ها بود و به خصوص حامی زنان شوهردار بود. از آنجایی که زئوس با حیله و توصل به زور او را به ازدواج راضی کرد، این ازدواج با کشمکش و ناسازگاری آغاز و با کشمکش ادامه یافته بود. یک بار که غرور زئوس به حد غیرقابل تحملی رسیده بود، هرا با خدایان بر علیه او توطئه چینی کرد و به او داروی مخدر خورداند، سپس با خدایان دیگر او را بر روی تختی با هزاران گره بستند و در باره اینکه باید با او چه کنند به مشاجره پرداختند. بریاروس Briareus که غولی 50 سر و صد

دست بود به توطئه پی برد و به خاطر علاقه فراوان به زئوس، به کمک 100 دست خود گره ها را گشود و او را آزاد کرد. خشم فراوان زئوس خدایان را به زانو در آورد و هر ا پس از مجازات زجر آور - که به دار آویخته شدن با زنجیری طلایی از آسمان بود- قسم خورد که دیگر بر ضد شوهرش شورش نکند. با این وجود هر ا همواره به خاطر بیوفایی زئوس دسیسه چینی هایی میکرد و گاهی هم موفق میشد تا درس خوبی به شوهر خیانتکار خود بدهد. طاووس و گاو حیوانات مقدس معبد هر ا هستند .



Ares خدای جنگ

آرس (Ares)

آرس پسر زئوس و هر ا و خدای جنگ است. او فردی رشید و زیبا اما بسیار قسی القلب و خونخوار بوده است خواهرش اریس Eris الهه نزاع و کشمکش، یار جدایی ناپذیر او بود. آرس زمانی خوشحال میشد که صدای چکاچک شمشیرها را بشنود، در این زمان او کلاه خود درخشانش را بر سر میگذاشت و سوار بر ارابه جنگ به قلب میدان جنگ میرفت و کاری به برنده و بازنده نداشت، فقط به دنبال خونریزی بود. کسانی که همواره همراه او بودند درد، اضطراب، قحطی و گمنامی بودند. هر ا و زئوس هر دو به آرس بیعلاقه بودند و او بیشتر توسط اهالی تراسیا Thracia که مردمی وحشی و خشن بودند پرستیده میشد. کرکس و سگ جانورانی بودند که در کنار این خدا تصویر میشدند .



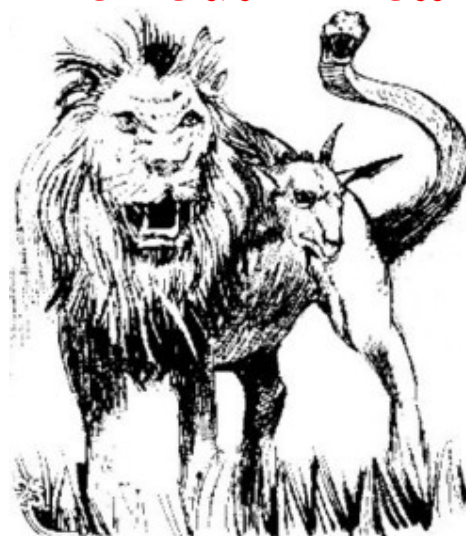
Athena الهه شهر، صنایع دستی و کشاورزی

آتنا (Athena)

آتنا، الهه باکره، دختر زئوس است و مادری ندارد، زیرا به صورت زنی کامل و سراپا پوشیده در زره و اسلحه از پیشانی زئوس خارج شده است. علی رغم اینکه او در نبرد شجاع و خشن بوده اما زنی جنگجو به شمار نمی آمده زیرا نبردهای او همه برای دفاع از حریم خانه و شهر در مقابل دشمنان بوده است. آتنا الهه شهر، صنایع دستی و کشاورزی است. او برای تربیت و رام کردن اسب، افسار را اختراع کرد و از دیگر نو آوریهای او میتوان به ساختن ترومپت، فلوت، دیگ، شن کش، گاو آهن، کشتی و ارابه اشاره کرد. او تجسم دانایی، منطق و پاکی بوده و فرزند محبوب زئوس به شمار می آمده است. به همین خاطر اجازه داشت تا از اسلحه پدرش - صاعقه - استفاده کند. شهر محبوب او آتن، درخت مورد علاقه اش زیتون پرنده او جغد بوده اند.

قسمت دوم

جانوران افسانه ای در یونان باستان



Chimera ترکیبی از شیر، بز و مار

آرگوس : (Argus) آرگوس، یکی از قهرمانان اساطیر یونان است که به آرگوس مشاهده گر مشهور است. علت این نام گذاری تعداد فراوان چشمان او بوده که در بعضی روایات 4 چشم و در بسیاری از داستانها و نقاشیها دارای 100 چشم بوده است که در سراسر بدن او قرار داشتند. این خاصیت، آرگوس را به یک نگهبان ایده آل مبدل کرده بود و هرا، همسر زئوس، او را برای نگهبانی زئوس و معشوقه اش ایو Io، گماشته بود. اما زئوس به هرمس، پیغامبر خدایان، دستور داد تا ایو را برآید و هرمس خود را به شکل چوپانی در آورد و با حکایتهای طولانی و آوای نی خود، آرگوس را به خواب برد و ایو را دزدید. در بعضی از داستانها، آرگوس در آخر به دست هرمس کشته میشود.

کایمرا : (Chimera) کایمرا فرزند ازدهایی صد سر به نام تایفویوس (Typhoeus) و موجودی نیمه پری، نیمه مار به نام اکیدنا (Echidna) است و یکی از معروفترین هیولاهای اساطیر به شمار میرود. کایمرا موجودی با دو سر شیر و بز در یک سو و دمی با سر مار از سوی دیگر بوده است. بدن او هم نیمی شیر و نیمی بز بوده و از دهانش آتش میریخته است. این هیولا، با از بین بردن گله های دامداران و حمله به مردم، موجب وحشت اهالی لیسیا Lycia بود و به دست مردی به نام بلروفون (Bellerophon) از اهالی کورینت (قرنت) کشته شد.

سایکلوپ ها : (Cyclopes) یونانیان خدایان و هیولاها را فرزندان تیتان ها- خدایان اولیه- میدانستند که بیشتر آنها فرزند گایا (Gaea) الهه مادر و اورانوس (Uranus) بودند. اورانوس خدای آسمان و فرزند گایا بود و گایا خود به تنهایی او را به وجود آورده بود. این دو با یکدیگر فرزندان بسیاری به وجود آوردند که شامل 12 تن از تایتان ها نیز هست. سایکلوپها، که غولهایی یک چشم بودند، سه نفر بودند و نماد رعد، برق و

صاعقه به شمار می آمدند. این گولها، اولین آهنگران بودند و توسط تایتانی به نام کرونوس (Cronus)، زندانی شدند. زئوس، هنگام شورش بر علیه تایتانیها، سایکلوپ ها را آزاد کرد و در عوض آنها اسلحه معروف او، صاعقه و تندر را به او هدیه دادند.



Cerberus سگی با سه سر

اکیدنا (Echidna): هیولای مونثی که نیمی پری و نیمی مار بود و در غاری زندگی میکرد. او تنها هنگام شکار غار را ترک میکرد و هر موجودی که از آن حوالی میگذشت را میخورد. این موجود فانی اما در ای عمری طولانی بود و توسط آرگوس کشته شد.

هکتاتون کایرس (Hecatonchires): هکتاتون کایرس به معنی "صد دست" است. این موجودات با 50 سر و 100 دست قدرتمند، فرزندان گایا و اورانوس بودند. این سه موجود صد دست، از پدر خود متفر بودند و اورانوس آنها را به رحم مادرشان باز گرداند. آنها بعدها در شورش علیه اورانوس شرکت کردند، اما کرونوس (پدرشان) باز هم آنها را به زندان انداخت و بعد توسط زئوس آزاد شدند و به نبرد با تایتانیها پرداختند. آنها میتوانستند در آن واحد چندین تخته سنگ عظیم را به سمت دشمنان خود پرتاب کنند.

گولها (Giants): گولها، موجودات عظیم الجثه ای بودند که در اثر بر زمین ریختن خون اورانوس به وجود آمده بودند. آنها به زئوس و خدایان المپ نشین حمله کردند و برای رسیدن به مقر آنها، بالای کوهی رفته و با روی هم گذاشتن تجهیزات جنگی خود، راهی برای رسیدن به مقر خدایان ایجاد کردند. خدایان در نهایت توانستند با کمک هرکول، قهرمان اساطیری و فرزند زئوس، گولها را شکست بدهند و آنها را در زیر آتشفشانها دفن کنند.

گورگون ها (Gorgons): در اساطیر یونان، گورگون هیولایی مونث، با بدنی پوشیده از فلسهایی نفوذ ناپذیر، موهایی از مارهای زنده، دندانهایی تیز و چهره ای چنان زشت بوده اند که هر کس به آنها نگاه میکرد به سنگ تبدیل میشد. آنها سه تن بودند که دوتا از آنها جاودان بودند و سومی که مدوزا نام داشت فانی بود. یونانیان از تصویر سر این هیولا برای آراستن سپرهای خود استفاده میکردند تا دشمنان خود را وحشت زده کرده و خود را از قدرتهای شیطانی محافظت کنند.



تصویر گرافیکی از Medusa

مدوزا : (Medusa) مدوزا در ابتدا دوشیزه ای بسیار زیبا بوده است، اما پس از اینکه پوزئیدون، خدای دریا او را در معبد آتنا اغوا میکند، موجب خشم این الهه میشود و آتنا، او را به شکل کریه ترین موجود ممکن، یعنی یک گورگون در می آورد. از آنجایی که مدوزا در اصل انسان بوده است، فانی بوده و در نهایت توسط یکی از قهرمانان اساطیری به نام پرسئوس (Pereus) کشته میشود. پرسئوس که تحت حمایت آتنا به نبرد با مدوزا رفته بود، موفق میشود بت هوشمندی سر او را از بدن جدا کند. گفته میشود که در این زمان، دو تا از موجودات افسانه ای، پگاسوس (Pegasus) و کریساتور (Chrysaor) که فرزند مدوزا و پوزئیدون بوده اند، از بدن مدوزا خارج شده اند .

تایفویوس : (Typhoeus) تایفویوس، ازدهایی با نفس آتشین، صد سر و خستگی ناپذیر بوده است. گایا، در اوج ناامیدی او را به دنیا آورد تا از تایتانها در مقابل المپیان محافظت کند. او تا حد زیادی موفق میشود و تعدادی از خدایان المپ را فراری داده و زئوس را به بند میکشد. هرمس به نجات زئوس میآید و زئوس هم با استفاده از تیرهای صاعقه، تایفویوس را از بین میبرد. گفته میشود که تایفویوس زیر کوه اتنا (Etna) در سیسیل دفن شده است .

سربروس : (Cerberus) سربروس هم یکی دیگر از فرزندان تایفویوس و اکیدنا است و سگی سه سر، با ماری به جای دم است. این هیولا نگهبان جهان مردگان بوده است. او به مردگان اجازه ورود میداده و مانع خروج آنها از جهان زیر زمین میشده است. تنها چند تن از افراد زنده موق شدند به طریقی از این سد بگذرند و به دنیای مردگان رفته و بازگردند. یکی از این افراد اورفئوس (Orpheus) بود که توانست با خواندن آواز او را خواب کند و به نجات همسرش یوریدیس (Eurydice) برود. هرکول نیز، در آخرین ماموریت خود موفق شد سربروس را از جایگاه خود خارج کند و به شاه یوربستئوس (Eurystheus) پیشکش کند .

سیرن ها : (Sirens) سیرن ها خواهرانی بودند که در بخشهای پر صخره دریا میزیستند. آنها آوازی بسیار زیبا و فریبنده داشتند و دریانوردان را با آوای خود گمراه کرده و به کام صخره های مرگ آور میکشیدند. گفته میشود که این چهار خواهر، فرزندان آکلوس Achelous خدای طوفان بوده اند .



Pegasus یا اسب بالدار

پگاسوس (Pegasus): پگاسوس اسبی بالدار و فرزند رابطه مدوزا و پوزئیدون است. او زمانی که سر مدوزا توسط پرسپوس از تن جدا شد، به دنیا آمد و توسط بلروفون اهلی شد. پگاسوس در طی ماجراهای این قهرمان، مرکب او بود و به او در از بین بردن کایمرا کمک کرد. اما زمانی که بلروفون میخواست به کمک او به المپ برسد، توسط زئوس از اسب سرنگون شد و پگاسوس به تنهایی به المپ رسید و در آنجا ماندگار شد.

کریسائور (Chrysaor): کریسائور، دومین فرزند مدوزا و پوزئیدون است. درباره این موجود اطلاع زیادی در دست نیست، تنها میدانیم که او به احتمال زیاد یک غول بوده و جنگجویی قدرتمند به شمار می آمده است و نام وی شمشیر طلایی معنا میدهد.

برای اطلاعات بیشتر:

[Greek Mythology Creature](http://edweb.sdsu.edu/people/bdodge/scaffold/GG/creature.html)

<http://edweb.sdsu.edu/people/bdodge/scaffold/GG/creature.html>

اساطیر و افسانه ها نمایانگر طرز زندگی، اندیشه و روابط آدمیان در ادوار تاریخی اند. با مطالعه تاریخی آنها می توانیم به چند و چون امور زندگی اجتماعی و جدول ارزشی جامعه ای که از آن برآمده اند، دست یابیم. اساطیر و افسانه ها مخلوق ذهن یک فرد نیستند. آنها را ذهنیت و ناخودآگاه جمعی مردمان شکل داده است. جهان بینی تاریخی یونان و یا ایران باستان در افسانه ها و اساطیر آن دوره تاریخی منعکس می باشند. در یونان باستان، خدایان متعددی پرستیده می شدند. اشعار هومر، حدود ۹۰۰ سال پیش از میلاد مسیح، حکایت از اساطیری می کند که از پیش موجود بودند. این خدایان در طول ادوار تاریخی به دست مردمان و بنابر فرهنگ و نظم اجتماعی موجود شکل گرفته اند. مثلاً خدای شراب (DYONYSSOS) پس از عصر هومر به جرگه خدایان یونان راه یافت؛ چرا که پیش از رواج شراب در یونان، نشانی از این خدا نمی توانست در اساطیر یونانی موجود باشد.

خدایان که در کوه المپ (OLYMP) زندگی می کنند، قدرت لایزال ندارند و حیطه اقتدار آنان توسط سرنوشت محدود است. آنها تنها در قلمرو نفوذ خویش، از اختیار تام برخوردارند. خدایان یونان مرزهای قدرت و مسئولیت مشخص دارند. حتی زئوس، که به مثابه خدای خدایان بر سرنوشت و روابط انسان ها نظارت دارد، از قدرت محدودی در

دخالته در امور خدایان بهره مند است. خدایان همچون انسان ها، می توانند خطا کنند و گرفتار احساسات، عواطف و نیت مغشوش گردند. بنابراین، خدایان مظهر کمالات و محسنات نیستند و خطاکاری از آنان سر می زند. همانند آدمیان، خدایان پس از ارتکاب خطا مجازات می شوند. مجازات های شدید مستلزم جلسات بحث و قضاوت و تصمیم گیری است. تبعیت کورکورانه در میان خدایان برقرار نیست. در جلسات بحث و مشاوره، نوعی دموکراسی حاکم است و هر خدا دارای يك رأی است.

حیطه زندگی و اقتدار خدایان یونان باستان گوناگون است. برخی مانند «نپتون» از زندگی و کارکردی ساده و برخی مانند «آپولو» نحوه زندگی و شخصیتی مرکب دارند. نپتون خدای دریاهاست. او خدای رام کننده اسپان نیز است. آپولو یکی از پسران زئوس، خدای نور و پیشگونی و نیز خدای آهنگ ها، آوازه ها، رقص ها و شاعری است. علاوه بر همه این ها، او خدای جوانان و علم طبابت نیز هست. آپولو بدکاران را به سختی تنبیه و مجازات می نماید و در عین حال مظهر آرامش و تعادل نیز محسوب می شود.

الهه ها، یعنی خدایان زن، از قدرت برابر با خدایان مرد بهره مند هستند. آفرودیت، که اسم لاتین او ونوس است، زیباترین خداست و از کف امواج دریاها به دنیا آمده است. آفرودیت خدای بهار، باغ ها و گل هاست و به عنوان خدای کشتیرانی نیز پرستش می شود. اروس (EROS) که با آماج تیر خود عشق را هدف می گیرد، پسر اوست. آفرودیت با این وجود که همسر دارد، دارای معشوقه نیز است. معشوقه او آرس (ARES) خدای جنگ است که یکی دیگر از پسران زئوس است.

هرا (HERA) خواهر و در عین حال همسر زئوس، به دلیل غلبه حسادت، گاه علیه شوهرش به توطئه متوسل می شود. هستیا خواهر دیگر زئوس، حفاظت از آتش را در مجالس رسمی و نیز در خلوت خانه ها به عهده دارد. زئوس دارای ۹ دختر از زنی دیگر است که الهه های خاطره محسوب می شوند. بعداً در تحول اساطیری، این ۹ الهه (MUSES) هر يك آفرینندگی و نمایندگی یکی از هنرها و علوم را به عهده گرفتند. آنها الهام بخش کسانی شدند که از استعداد هنری و یا علمی برخوردار بودند.

برخلاف اساطیر ایرانی، خدایان یونان باستان به دو دسته ماهیتاً متفاوت، تقسیم نمی شوند. ایزدان در اساطیر پیشا زرتشت به دو دسته تقسیم پذیرند. آنها یا ماهیت پلید و نحوست وار دارند و یا این که نیکو صفت و پاک نهادند.

روش و منش خدایان یونان باستان و عملکردشان همچون ایزدان ایرانی، مستقیماً در معرض قضاوت های اخلاقی قرار ندارد. در مورد خدایان یونانی، خوبی و بدی با هم در آمیخته است و مرزی روشن آنها را از یکدیگر جدا نمی کند. يك فرد انسانی و یا موجودی اساطیری در عین درستکاری می تواند در مواردی مرتکب اشتباه و لغزش شود.

خدایان مقیم در المپ با انسان ها در رابطه اند و در برآمد حوادث نیز تأثیر گذارند. ایزدان ایرانی از آدمیان کاملاً متمایزند و از آنجا که به دو نوع تقسیم می شوند، کارکرد آنها مستقیماً با ارزش گذاری های اخلاقی درهم آمیخته است.

همانطور که گفته شد زرتشت خداپرستی چندگانه را از سیستم دینی ایرانزمین حذف کرد. او نیروهای مافوق بشری را بدو نیروی خدائی؛ یعنی هورمز و اهریمن، تقلیل داد و بقیه نیروها را به ابواب جمعی یکی از ایندو تبدیل نمود. آدمیان با گفتار، اندیشه و رفتار خویش به نتیجه غائی ستیز این دو نیرو، که در میان خود از هیچگونه تفاهم و تعاملی برخوردار نیستند، یاری می رسانند. مضامین اسطوره ای و حماسی ایران باستان در شاهنامه فردوسی بازتاب دارد.

*

خدایان اساطیری یونان باستان به دوره ای تعلق دارند که برای اولین بار از بطن روابط

اجتماعی و اقتصادی، زمین داران و دهقانانی مستقل فرا روئیدند. این دهقانان که نه برده دار و نه برده بودند، در جامعه تاریخی آن روز یونان، یعنی حدوداً سه هزار سال پیش، به يك نیروی اجتماعی نیرومند تبدیل شدند. در میان این انسان های آزاد، اعتقاد به خدایان گوناگون رواج یافت. این توده و طبقه جدید، ارزش ها و باورها و نحوه زندگی جدیدی را رقم زدند که بازتاب آن در فرهنگ اساطیری خدایان کوه المپ به یادگار باقی مانده است.

بعدها، در حدود ۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح، از میان این توده آزاد دهقانان، فلاسفه خردگرای یونان باستان به عنوان بنیانگذاران علوم بشری به صحنه آزاداندیشی پای نهادند. دمکراسی رایج در میان خدایان یونانی بیانگر این واقعیت است که دهقانان مستقل از حقوق شهروندی بهره مند بودند و در دموکراسی های شهری آن دوران مشارکت و مداخله داشته اند.

حکمت مزدیسنانی در مواجهه با دو عامل بنیادین عالم وجود؛ یعنی زمان و مکان، نگرشی بسته دارد و به صورت چرخشی می اندیشد. در آئین مزدیسنا، زمان به صورت تداوم پیوسته ای که هر آینه پیچیدگی و تحولات نوشونده ای را برای عالم گیتی (جهان مادی) رقم می زند، نگریده نمی شود. در نگرش مزدیسنا، زمان متافیزیکی (کیهانی) با زمان فیزیکی (عینی) متفاوت است. زمان کیهانی کیفیتی سرمدی دارد و بیکرانگی را برمی تابد. زمان فیزیکی دگرذیسی پذیر است. اما، این زمان که به جهان مادی تعلق دارد خط سیری ارتقائی و لامتناهی را طی نمی کند. بنابر نگرش بسته و دایره ای از زمان فیزیکی، وقایع آخرالزمان به وقایع صبح آزل پیوند می خورد و به صورت تکرار نقطه پایانی به همان نقطه آغاز ختم می شود. گذشته و آینده در حال به وحدت می رسند تا زنجیره تکرار تداوم یابد. از همین روست که در برخی متون زرتشتی، با به کار بردن فعل ماضی از وقایع آینده یاد می شود.

در کلام و در بیان اساطیری، آئین مزدیسنا تکرار را برمی تاباند. وقایع پیشا تاریخی به گونه ای کمابیش همانند در فرآیند تاریخ و نیز در قیامت تکرار می گردند. قهرمانانی که وقایع تاریخی و غایت آرمانی را رقم می زنند، همان قهرمانان سپیده دم وجود هستند که در اسطوره پیدایش به منصفه ظهور رسیده بودند. زمان فیزیکی اگر چه بی کرانه می نماید، اما به صورت دورانی و مارپیچ می چرخد تا سرانجام به اصل خود؛ یعنی به زمان متافیزیکی، که همانا جهان مینوئی است، بپیوندد. لذا، پایانه تاریخ همان رویدادهائی را رقم می زند که تاریخ با آن آغاز گشته بود. بر این منوال می توان نتیجه گرفت که: در آئین مزدیسنا، اراده آزاد آدمی در انتخاب و عمل به مشیت بسته و تقدیری وجود محدود است.

البته باید خاطرنشان شد که این نگرش تکرار از عالم وجود در ادیان ابراهیمی نیز به چشم می خورد. در یهودیت، قوم بنی اسرائیل بارها از سرزمین موعود دور می افتد و باز به سوی آن بازمی گردد. همچنین معبد مقدس چند بار ویران و مجدد بازسازی می شود. در مسیحیت؛ انسان خاطی و رانده از بهشت با وساطت و مکافات که حضرت مسیح متحمل گردید، بخشوده شده و به دامن ملکوت بازگردانده می شود. در اسلام، تحت تأثیر کیش زرتشت، نگرش تکرار و دایره وار از عالم وجود در ادبیات دینی به صراحت یافت می شود

downlod ebook pdf:
http://www.freewebs.com/parviz_r/downlodebookpdf.htm

downlod ebook pdf:
http://www.freewebs.com/parviz_r/downlodebookpdf.htm